

عاشورا دعای مقبول امام حسین(ع) در دعای عرفه



حسین ای که به کوی تو عرش سجده برد
خوشا کسی که در این کوجه سائلش سازند
گدایی سر کوی تو کار هر کس نیست
مگر کسی که بسوزند و قابلهش سازند

دوباره حسین(ع) در صحرائ عرفات ندا سرداده و با خدای عالمیان، سبحان یکتا نجوا سرداده است...

دوباره حسین(ع) در صحرائ عرفات ندا سرداده و با خدای عالمیان، سبحان یکتا نجوا سرداده است. دوباره لب‌های فرزند علی(ع) و فاطمه(س) در صحرائ عرفات به ذکر خداوند باز شده تا یادآور کلام ناب علی(ع) باشد و قرایی خطبه فدک فاطمه زهرا(س). حسین(ع) ندا سر داده تا تاریخ بداند و این صدا در هزارتوی تاریخ باقی باشد که از حج الهی که طواف سنگی است برای آنکه ره گم نشود باید به طواف معشوقی رفت که هم اینک رحل اقامت در صحرائ تشنگی و سختی، در کربلا گزیده و قرار بر آن نموده که حسین(ع) و خاندانش در کربلا به طواف عشق بپردازند تا حضرت عشق جانی دوباره در تطور تاریخ یابد و تا قیام قیامت عشق قدر ببند و بر صدر چشم عاشقان نشیند .

حسین(ع) آموخته خانه آل یس لب به نجوای عرفه باز می‌کند و خدای را می‌خواند و از بخشش بی‌منت و سخاوت بی‌انتهایی حضرت حقی سخن به میان می‌آورد که منت نهاد و آدمی را خلق کرد تا بتواند سیر تعالی خویش را درنوردد، تا شاید بتواند شکر یکی از هزار ساحت حضرت سبحان را به جای آورد .

امام دانای کل اول و آخر است و چیزی نیست که در مدار دانش او نباشد؛ مگر حضرت حق. از همین رو دانای به الطاف الهی است بر انسانیت انسان. لطفی که به انسان به ما هو انسان ارزانی شده و صد حیف که قلبی از بندگان، شکور حضرت رب هستند. امام هزار ساحتی از لطف حضرت حق را به زبان می‌آورد که آدمی را لایق آن می‌کند که به شکرانه یکی از هزار آن عمری و تمام عمر خویش را آستان‌بوس حضرت حق باشد و پیشانی بر خاک سجده بر خدای واحد ساید .

و امام که حضورش برای هر یک از آحاد امت اسلام جای هزاران هزار شکر دارد، خود در آستان جلال کبریایی نوای کرنش سر داده است که «بر فرض که همه زمان را عمر می‌کردم، که شکر یکی از نعمتهایت را بجا آورم نخواهم توانست». الهی چه آزمونی است انسان را که همه زمان را اگر عمر کند شکر یکی از هزاران نعمت تو را قادر نبود؟

اما امامی که چنین لطف بی‌کران حق تعالی را احصا می‌کند چه می‌خواهد. « به تو اطمینان کردم، نجاتم دادی، و به تو پناهنده شدم، کفایت نمودی» او که نجات خویش را در اطمینان به خدا یافت چگونه به کربلا عزیمت می‌کند؟ و امام که مسافر کربلاست چه می‌خواهد از خدایی که خدای همه عالمیان است و کربلا؟

خدایا مرا به حقایق اهل قرب محقق کن، و به راه و روش اهل جذب ببر.

خدایا به تدبیرت نسبت به من مرا از تدبیرم و به اختیارت از اختیارم بی‌نیاز گردان. مرا به مواضع بیچارگی‌ام آگاه کن.

خدایا مرا از خواری نفسم نجات ده و از شك شرکم پاک کن. بر تو توکل می‌کنم، پس مرا وامگذار، و از تو درخواست می‌کنم، پس ناامیدم مکن و در آستانه تو می‌ایستم پس مرانم .

و مگر می‌شود خدا دعای امام را که همواره مستجاب است، و به پهنای کف دست اشک می‌ریزد و زمین و زمان و آسمان و فرشتگان به میزبانی آمده در صحرائی عرفات و تمامی مسلمانان حاضر در این صحرا را به گریه واداشته، استجابت نکند؟